

معماری بوکنی در نارین قلعه میبد

ذات‌الله نیک‌زاد

عضو پژوهشگاه میراث فرهنگی؛ پژوهشکدهٔ ابنیه و بافت‌های تاریخی
zatnikzad@yahoo.com

نسیم غفوری

دانش‌آموخته رشته معماری
nghafouri62@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۲ / ۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴ / ۵ / ۸

چکیده

نارین قلعه میبد بر فراز یک تپه گلین برپا شده و با توجه به امتزاج آن با شارستان و برخورداری از عناصر مستحکم دفاعی، کهندژ شهر میبد بوده است. قلعه بر اساس نقشهٔ بیضوی نامنظم و ارتباط حلزونی طرح‌ریزی شده است. به همین سبب تمام طبقات جدا از هم نیستند. قلعه در پنج حصار تودرتو محصور شده و از راه پنج دربند امکان رفت و آمد به آن فراهم می‌شود. خندقی عمیق و پهن اطراف را فراگرفته است. بلندای بنا از کف خندق تا بالای بام شاه‌نشین حدود ۲۵ متر است. کهن‌ترین آثار در این مجموعه گلین به دست آمده متعلق به حدود هزارهٔ چهارم پیش از میلاد و مهم‌ترین آثار آن متعلق به عصر ساسانی است. آخرین تحولات اساسی نارین قلعه مربوط به قرن هشتم هجری است. قلعه با دو فن‌آوری ساخت «برپا» و «کنده» بنا شده است. به این ترتیب که در تراز زیرین فضاهای کنده و در تراز بالایی فضاهای ساخته شده برپا استقرار یافته‌اند. هدف از این تحقیق پی بردن و ردیابی فضاها و عناصر موسوم به «بوکنی» است که در دل خاک رسی کنده شده و همراه با فضاها برپا، ترکیب و نظام فضاسازی نارین قلعه را تکامل بخشیده است. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است: سبب پدید آمدن فضاهای بوکنی در نارین قلعه چیست و این فضاها چه نقشی در شاکلهٔ این بنا دارند؟ پاسخ به این پرسش‌ها از راه شناخت و تحلیل این فضاها حاصل خواهد شد. مهم‌ترین اطلاعات در این زمینه از راه تحقیق میدانی حاصل شده و روش به کار گرفته شده در تحقیق توصیفی - تاریخی است. در نارین قلعه فضاهای بوکنی متعددی در خود دارد. از جمله در بدنه‌های دو جانب خندق که خود عنصری کنده شده است، فضاهای بوکنی چندی پدید آمده و در بدنهٔ جنوبی بخش اصلی قلعه، ردیف قابل توجه فضاهای کنده شده در چند تراز وجود دارد و فضاهای تراز بالایی نیز با عناصر کنده شده مانند چاه و اتاق ترکیب شده است. ساخته شدن بنا بر روی تودهٔ گل رس این امکان را پدید آورده که در طول چند هزار سال از ظرفیت خاک بهره‌برداری بهینه صورت گیرد و بنا با طبیعت سازگار درآید.

واژه‌های کلیدی

معماری بوکنی، معماری گلین، نظام فضایی، نارین قلعه، میبد.

یافته است. حصار شارستان با استحکامات قلعه دوخته شده بود.

۲.۱. بنیان و تحولات تاریخی

بنا به روایات افسانه‌ای مندرج در کتب تاریخی نارین قلعه با نام «قلعه دالان» به دست دیودال، که از سوی سلیمان نبی برای پنهان کردن گنج مأموریت یافته بود، ساخته شد (کاتب ۱۳۴۵: ۴۰). اما در کاوش‌های علمی باستان‌شناسی و تحقیقات حین مرمت، تحولات تاریخی قلعه تا حدی روشن شده است. آثار اواخر هزاره چهارم تا اواسط هزاره سوم پیش از میلاد در لایه‌های زیرین قلعه به دست آمده (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۱۹)^۱ و از آن زمان تا به حال حیات آن ادامه دارد. بر اساس آثار معماری موجود که شامل حصار و بارو و جرزهای ضخیم فضاها با دوره‌های بیضی و صفه‌ای خشتی در بخش بالایی است، شاکله و سازمان فضایی اصلی قلعه در زمان ساسانیان شکل گرفته است. خشت‌های این دوره ۱۰×۲۶×۴۰ سانتی‌متر و آثار منقولی مانند سکه (پویا، ۱۳۷۵: ۲۵) و مهر، حیات قلعه را در این دوره پررنگ جلوه می‌دهد. قلعه پس از اسلام مورد استفاده بوده و آثار معماری صدر اسلام تا قرون میانه اسلامی به صورت تعمیرات برجای مانده است. اما واپسین حیات پرتحرک قلعه مربوط به قرن هشتم هجری است؛ زمانی که سلسله آل مظفر از میبد به حکومت بخش مهمی از ایران دست یافتند. فرزند مبارزالدین محمد مظفری در ابتدا اقدام به استحکام و بازسازی قلعه نمود (جعفری، ۱۳۸۹: ۵۰). وی حصار و باروی منسجمی دور شارستان کشید، بر برج‌های نگهبانی افزود و دست به تعمیرات گسترده‌ای در قلعه زد. این اقدامات هرچند شتاب‌زده صورت گرفته، اما مؤثر و همچنان پابرجاست. چنانچه در گزارش‌های تاریخی ذکر شده، حملات مکرر مهاجمان برای نفوذ به قلعه نتیجه‌ای دربر نداشته است. تعمیرات حصارها با نظم لایه به لایه خشت و چینه شناخته می‌شود. نارین قلعه در قرون بعد هرچند مورد استفاده بود، اما تغییر و تحولاتی در آن پدید نیامد و به تدریج در سراسیم زوال افتاد؛ تا جایی که پس از ایجاد تغییر در نظام دفاعی شهرها از حیز انتفاع

نارین قلعه کهندژ شهر میبد است و با طرح بیضی نامنظم بر بلندای پشته‌ای گلین مستقر شده است. در میان ساخت و سازهای تودرتوی دژ نارین قلعه، فضاهای کنده‌شده در ترازهای گوناگون به چشم می‌خورد. این بنای خشتی و گلین که طی هزاره‌ها و سده‌ها ساخته و تکمیل شده، اقسام فن‌آوری ساختمانی را در خود دارد. علاوه بر اهمیت تاریخی و شهرسازانه، ویژگی بارز این بنا برخورداری از معماری ساخته و کنده است. به این معنا که از امکان زمین برای ایجاد قلعه بیشترین استفاده شده است. این فضاهای کنده را که در بسیاری جاهای شهر نیز وجود دارد، در گویش بومی «بوکن» می‌نامند. برای فهم این معماری و جایگاه آن، مطالعه میدانی نقشی پررنگ داشته است. پرسش اساسی مطرح‌شده این است که: سبب پدید آمدن فضاهای بوکنی در نارین قلعه چیست و چه نقشی در شاکله این بنا دارد؟ برای پاسخ به پرسش‌ها سعی شد تمام فضاهای بوکنی قابل دسترس، شناخته و معرفی شده و بر این اساس تحلیل شوند تا بتوان به هدف شناخت سازوکارهای پیچیده فضایی قلعه دست یافت. با توجه به اینکه برخی فضاهای کنده در زیر آوار قرار دارد و کاوش باستان‌شناسی در آن موضع‌ها صورت نگرفته، امکان دستیابی به این فضاها وجود نداشته است.

۱. نارین قلعه میبد

۱.۱. ویژگی مکانی

نارین قلعه امروز در حدود میانه جنوب شهر میبد قرار دارد. دو طرف آن خیابان و دو جانب دیگرش باغ‌ها و محله کوچک واقع شده‌اند. این قلعه کهندژ است و در گذشته همراه با شارستان و بیرونه‌ها (رَبَض) ساختار و شاکله اصلی شهر میبد را تشکیل می‌داده است. کهندژ (ارگ) بر بلندای مدخل شهر قرار گرفته و ضمن تسلط منظری بر تمام شهر و پیرامون آن، مرکز اصلی محافظت و مقاومت در برابر مهاجمان محسوب می‌شده است. قلعه بر لبه تراس رُسی استقرار یافته و پایین دست آن رو به شمال به سبب برخورداری از آب، سرتاسر محله‌های مسکونی و باغ‌ها و مزارع در گستره‌ای وسیع حیات

خارج شد و در اثر متروک شدن و آسیب‌های اقلیمی، خلل در کالبد آن وارد شد. در دهه ۱۳۴۰ش برای احداث خیابان خط میان (امام) و فلکه، ورودی و حصار و باروی جنوبی و غربی تخریب شد و در سال ۱۳۶۳ش نیز عرصه وسیع مردم‌نشین قلعه برای دستیابی به زمینی برای فعالیت‌های عمومی هموار شد (پرونده ثبت آثار ملی بنای نارین قلعه میبد، ۱۳۵۶: ۲). اما از آن پس مرمت و نگهداری قلعه به دست میراث فرهنگی پی گرفته شده است.

۱.۳. شرح کوتاه معماری قلعه

همان‌گونه که گفته شد، قلعه بر بلندای گلین و لبه افتادگی رُسی (تراس) ساخته و برپا شده و به همین سبب شکل زمین بر طرح معماری آن اثرگذار بوده است. طرح کلی هسته اصلی قلعه بر تهرنگ بیضی نامنظمی با کشیدگی جنوب به شمال نهاده شده و دور تا دور آن را خندقی پهن و ژرف فراگرفته است. هسته اصلی به سه پهنه تقسیم می‌شود: مردم‌نشین و حاکم‌نشین و لشکرنشین. قلعه در پنج طبقه بنا شده و طبقات به صورت حلزونی با هم ارتباط دارند. تمام این بخش‌ها با حصارهای تو در تو در بیرون و داخل محافظت می‌شود.

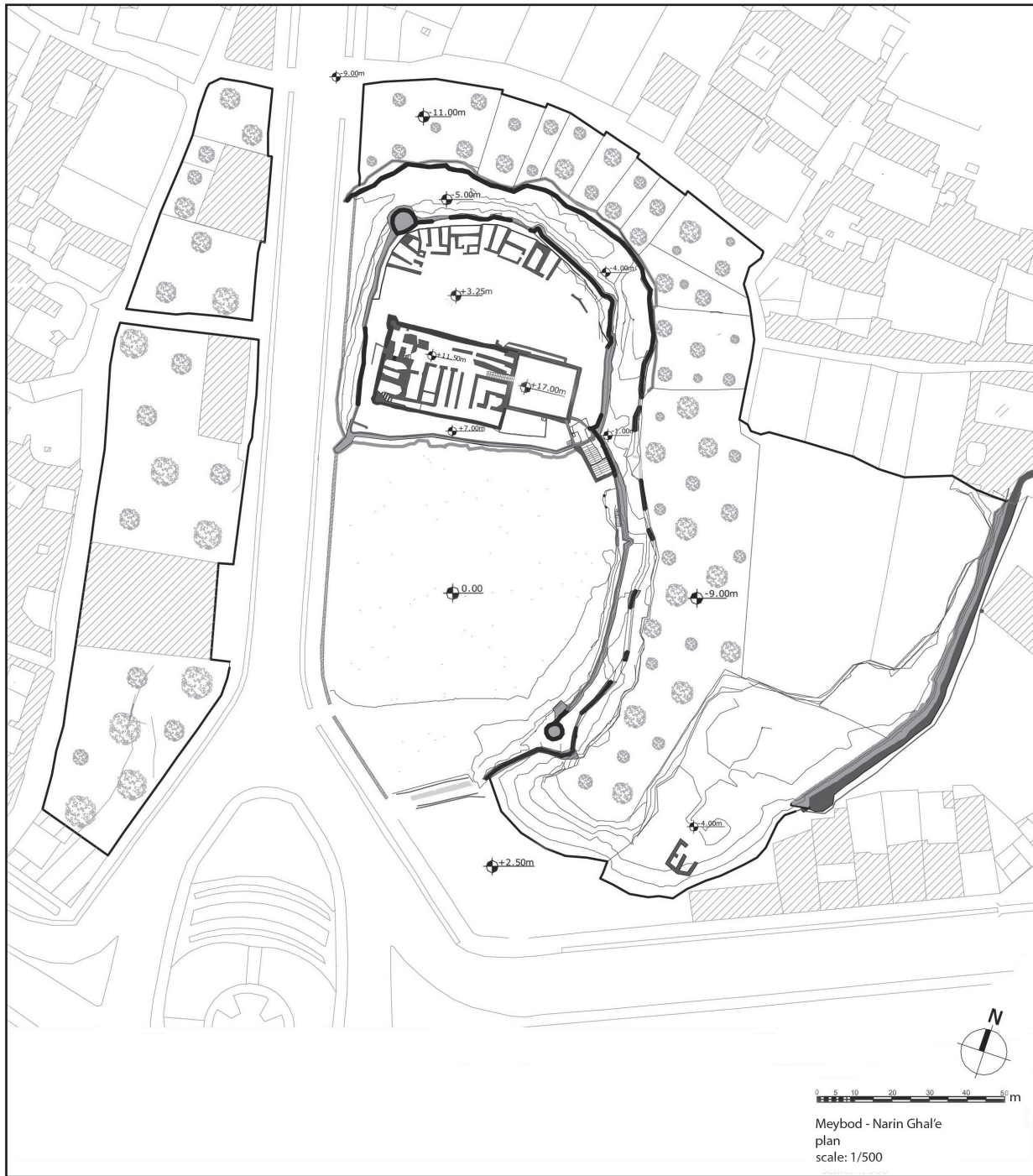
بیرونی‌ترین بخش قلعه در پهنه جنوبی و شرقی که در بلندا واقع شده، حصار و بارویی دارد که با حصار شارسنان یکی شده است.^۲ فاصله قعر خندق که پیرامون قلعه را دور می‌زند، از پهنه مردم‌نشین تقریباً ۱۰ متر است. پهنای خندق در هر جهت با توجه به نحوه توپوگرافی متفاوت است. فصیل که حصار نه چندان بلندی دارد، به صورت دالانی به پهنای ۳ تا ۲۰ متر در ترازهای مختلف در اطراف هسته اصلی قلعه می‌گردد و کار نگهبانی در آن به انجام می‌رسیده است. حصار فصیل بر لبه بلندا قرار دارد. ورودی قلعه در سوی غربی تخته‌پلی متحرک بوده که ضمن اینکه در دروازه بود، روی خندق می‌خوابید. دروازه از دو برج بلند و قوسی بین این دو تشکیل شده بود اما تخریب شده است. مردم‌نشین که وسیع‌ترین عرصه قلعه است، اکنون محوطه‌ای بدون ساختمان است اما در گذشته بناهای زیادی در آن ساخته

شده بود. هر بخشی از این عرصه متعلق به اهالی آبادی و محله‌ای در میبد بوده که در مواقع اضطرار در آن ساکن می‌شدند. بناهای عمومی مانند حمام و مسجد هم در نارین-قلعه وجود داشت. عرصه شمالی قلعه که تقریباً هم‌تراز عرصه جنوبی است، از واحدهای بسیار و فشرده در کنار هم تشکیل شده است. یک ردیف کامل از این واحدها پشت به حصار شمالی ساخته شده که سقف ضربی دارند و از ساخته‌های قرن هشتم هجری اند. باقی فضاها در زیر خاک قرار دارند و مشخصات آنها قابل تشخیص نیست. حاکم‌نشین مابین عرصه شمالی و جنوبی واقع شده و تمام عرض قلعه را در بر گرفته است. چند دربند برای ورود به بخش‌های مختلف تدارک دیده شده و با عبور از راه شیب‌دار می‌توان به بالاترین قسمت قلعه که شاه‌نشین است، رسید. حاکم‌نشین در چهار تراز فضاهایی کشیده دارد که هر کدام عرصه جداگانه‌ای را از پایین به بالا تشکیل می‌دهند. هر عرصه با حصار و برج‌هایی جدا شده و محافظت می‌شوند. شاه‌نشین که از دو ردیف اتاق به صورت خطی سازماندهی شده ایوانی گشاده دارد که چشم‌انداز وسیعی رو به سوی شمال، که شهر در آن پهنه واقع شده، دارد (نقشه ۱ و تصویر ۱).

در مجموع قلعه به تبعیت از نظام سفت و سخت سلسله-مراتبی طراحی و ساخته شده و تغییر و تحولات تاریخی موجب استحکام روابط فضایی به‌ویژه در جهت نفوذ ناپذیرتر کردن آن شده است.

۲. معماری برپا، معماری کُنده

نارین قلعه بنایی است که بر خاک سخت و متراکم رُس نهاده شده و ساخت‌مایه آن گل است؛ بنابراین مصالحی چون خشت، چینه، ملات گل و کاهگل در آن به کار برده‌اند. اما همه اجزای تشکیل دهنده پیکر بنا این‌ها نیستند. قلعه مجموعه‌ای است از معماری برپا (ساخته) و معماری کُنده. معماری برپا در بالا و معماری کُنده در زیر؛ اما زیر و زبر لزوماً در یک تراز قرار نگرفته‌اند. در هر اختلاف تراز بنا به نیاز و امکان معماری با فناوری کُنده پدید آمده که در منطقه یزد آن را «بوکن^۲» می‌نامند (نیک‌زاد، ۱۳۹۱: ۲). این دو نوع فن،



نقشه ۱. پلان نارین قلعه میبد. قلعه در میان است و پیرامون آن را خندق فرا گرفته است. لبه شرقی و جنوبی قلعه در اثر خیابان کشی دهه ۱۳۴۰ ش تخریب شد (مأخذ: آرشیو پایگاه پژوهشی شهر تاریخی میبد).

معماری قلعه را کامل کرده، موجب خلق فضاهای متنوعی شده است. خندق که بخش جنوبی آن کنده شده و باقی جهات پیرامون با اندک مداخله‌ای در اختلاف تراز بوجود آمده، وسیع‌ترین فضایی است که با روش کنده ایجاد شده و حجم زیاد خاک آن به کار ساختن معماری برپا آمده است. به مانند استحکامات دیگر که از خندق برخوردارند، با یک کار دو مقصود برآورده می‌شد. فضاهای بوکنی در بیشتر نقاط قلعه پراکنده است گاه مستقل و گاه در کنار فضاهای ساخته قرار می‌گیرد. در مواردی دیوارهای کلفت خشتی دوره‌های کهن‌تر قلعه، که در زیر ساختارهای مابعد قرار گرفته، کنده شده به فضاهای بوکنی تبدیل شده است. نارین قلعه طی قرن‌ها با کاست و افزودن خلق شده است به معنای کاستن از بستر طبیعی و افزودن به حجم مصنوع. بستر و دو شیوه معماری به کار رفته در قلعه با یکدیگر امتزاج یافته و قابل جدا کردن از هم نیستند.

۳. منشاء و مکان معماری بوکنی در قلعه

۳.۱. سبب خلق معماری بوکنی

عواملی در پدید آمدن معماری بوکنی در نارین قلعه مؤثر افتاده است که از جمله آنها می‌توان به دو عامل «زیرساختی» با توجه به توپوگرافی، جنس خاک و نوع اقلیم، و عامل «انتفاعی» به سبب نیاز به فضاهای بیشتر و تأمین امنیت و آسایش یاد کرد.

عامل زیرساختی: برجستگی‌ای که قلعه بر آن استقرار یافته، اختلاف ترازهایی دارد که منشأ آنها عمدتاً طبیعی و گاه مصنوع است. همین ویژگی سبب خلق فضاهای بوکنی شده است. استعداد اصلی پدید آمدن معماری بوکنی قلعه را در همین اختلاف ترازهای گوناگون در تمام جوانب قلعه می‌توان جست که مصادیق گوناگون دارد. اختلاف تراز عمومی و سرتاسری لبه جنوبی میبید که از غرب به شرق کشیده شده، همان پدیده تراس رُسی است، سبب به وجود آمدن معماری، شهر و آبادی‌هایی شده که نارین قلعه در میانه این تراس قرار دارد. اختلاف سطح در این محدوده گاه تا حدود ۱۵ متر می‌رسد. مورفولوژی قلعه بر بنیان این ویژگی

طبیعی و بهره بردن از آن به وجود آمده است. با این حساب فضاهای بوکنی بر دیواره‌های رُسی کنده شده است. از طرفی جنس سخت و متراکم رُس امکان لازم را برای در اختیار داشتن فضاهایی با خرابی کم و دوام زیاد فراهم آورده و سازندگان را کمتر دچار مشکل می‌کرده است. اقلیم گرم منطقه نیز اشتیاق بیشتری برای پیشروی در دل خاک به وجود آورده و خنکای موجود در این فضاها سبب‌ساز علاقه مردم به استفاده از فضاهای کنده شده بوده است. در مجموع ظرفیت‌های طبیعی همواره راه رسیدن به معماری بوکنی را هموار کرده است.

عامل انتفاعی: در کنار ظرفیت‌های طبیعی، عوامل دیگری در توسعه و تداوم ایجاد فضاهای بوکنی دست داشته‌اند. به سبب محدودیت بناها و اتاق‌ها در داخل قلعه، نیاز به داشتن فضاهای بیشتر به‌ویژه در زمانی که قلعه در اوج رونق بوده و ساکنان زیادی داشته احساس می‌شد. در این زمانها فضاهای کنده مهم‌ترین راه توسعه درونی محسوب می‌شده است. و در نتیجه گسترش فضاهای بوکنی را در پی داشته است. حل مسئله امنیت دغدغه همیشگی بهره‌برداران قلعه‌ها در طول تاریخ بوده است. بنابراین غالب عناصر با لحاظ ضرایب امنیتی ساخته می‌شدند. حتی فضاهای معمول داخل قلعه نیز می‌بایست برخوردار از چنین ویژگی می‌بود. معماری بوکنی می‌توانست در برآوردن امنیت ساکنان یا اشیا و ادوات نقشی اساسی ایفا کند. حتی در صورت کوبیدن و تخریب قلعه، فضاهای بوکنی آخرین نقاط مقاومت محسوب می‌شدند. برای محکم‌کاری بیشتر، برخی فضاها مانند فضاهای زیرین انتهای مردم‌نشین در پس فضاهای ساخته شده کنده شده‌اند.

۳.۲. پراکندگی معماری بوکنی

شیوه معماری بوکنی در بیشتر عرصه‌های قلعه به کار گرفته شده است. برخی فضاها را می‌توان دید و بررسی کرد و از برخی نشانه‌هایی که وجود دارد که گمان بر وجود آن‌ها می‌توان برد. مکان‌هایی که بوکن‌ها مشاهده می‌شود با توجه به اختلاف سطح زمین از این قرار است: تراز پایین بر

بلندای رُسی هسته اصلی قلعه با دیوارهای خشتی و گلین بنا شده است. آنچه که اکنون از مجموعه بوکنی مذکور دیده می‌شود، یک ردیف ۱۸ تایی بوکنی در ترازهای نامنظم است که دهانه آنها رو به بیرون در جهت جنوبی است (نقشه ۴ و تصویر ۱). اما در عکسی از سال ۱۳۵۴ ش از این جبهه قلعه باقی مانده، بوکنی‌ها در سه ردیف (طبقه) مشاهده می‌شوند. طبقه بالایی ۱۸ خانه، طبقه میانی ۸ خانه و طبقه زیرین شامل ۴ خانه است. بقایای بناهای خشتی به ردیف زیرین متصل است در نتیجه تعداد بوکنی‌ها ممکن است بیشتر از این تعداد باشد. با توجه به این سند می‌توان فهمید که دو ردیف زیرین در پشت فضاهای ساخته‌ای قرار داشته که ما اکنون اطلاعی از آن نداریم.^۴ اگر ساخته‌های مردم‌نشین قلعه را در وضع برپای آن در نظر آوریم، آنگاه بلندای آن تا حد طبقه میانی خواهد رسید و در نتیجه رفت و آمد به این بوکن‌ها از راه بناهای متصل به بدنه رُسی ممکن می‌شد. اما راه ارتباطی ردیف (طبقه) بالایی جز از پشت بام نبوده است. پس بوکن‌های موجود در وضع اولیه نیز با فضای بیرون مرتبط بوده اند (تصویر ۲، ۳ و ۴).

عرض دهانه فضاها از ۶۰ سانتی‌متر تا ۳ متر در نوسان است. سقف داخل فضاها به شکل بیضی است تا قوس نزدیک به تخت در نوسان است (تصویر ۵). یکی از واحدها، ایوانچه‌ای با قوس بیضی دارد و در پس آن اتاقی با یک ورودی قرار گرفته است. فضای کنار آن نیز به همین وضع ایوان‌مانند کنده شده است. در جایی تل خاک رگه به هم ریخته و غیر قابل پرداخت داشته، با استفاده از خشت به



تصویر ۱. چند خانه غربی بوکنی مردم‌نشین (عکس از: نگارندگان).

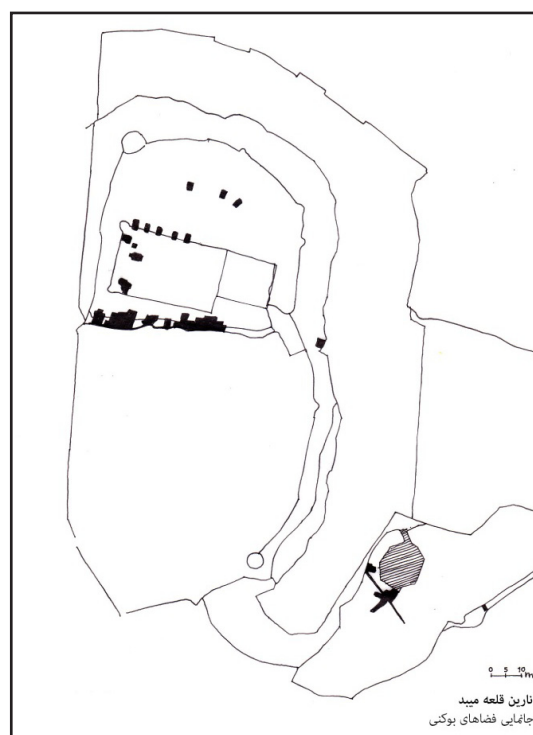
جداره دو جانب خندق شرقی و خندق شمالی، چند فضای محدود وجود دارد. گمان می‌رود در خندق غربی و جنوبی نیز این گونه فضاها بوده باشد اما امکان دسترسی به آن‌ها نیست. تراز میانی بر دیواره منتهی‌الیه شمالی مردم‌نشین، بخش زیرین دیوار جنوبی و غربی و شمالی حاکم‌نشین، انبوه فضاهای بوکنی دیده می‌شود. تراز بالا در عرصه محصور پیش از شاه‌نشین، بوکنی شبیه به چاه دیده می‌شود (نقشه ۲).

نحوه پراکندگی این گونه فضاها نشان می‌دهد که در عرصه‌های تراز میانی که بیشترین حجم ساخت و سازها نیز در آنجاهاست (نقشه ۳) و مورد استفاده مردم و سربازان و خدمتکاران بوده، معماری بوکنی به وجود آمده تا پاسخ‌گوی نیازهای قلعه‌بانان باشد. نباید فراموش کرد که در این مکان‌های محصور امنیت بیشتری برقرار بوده است.

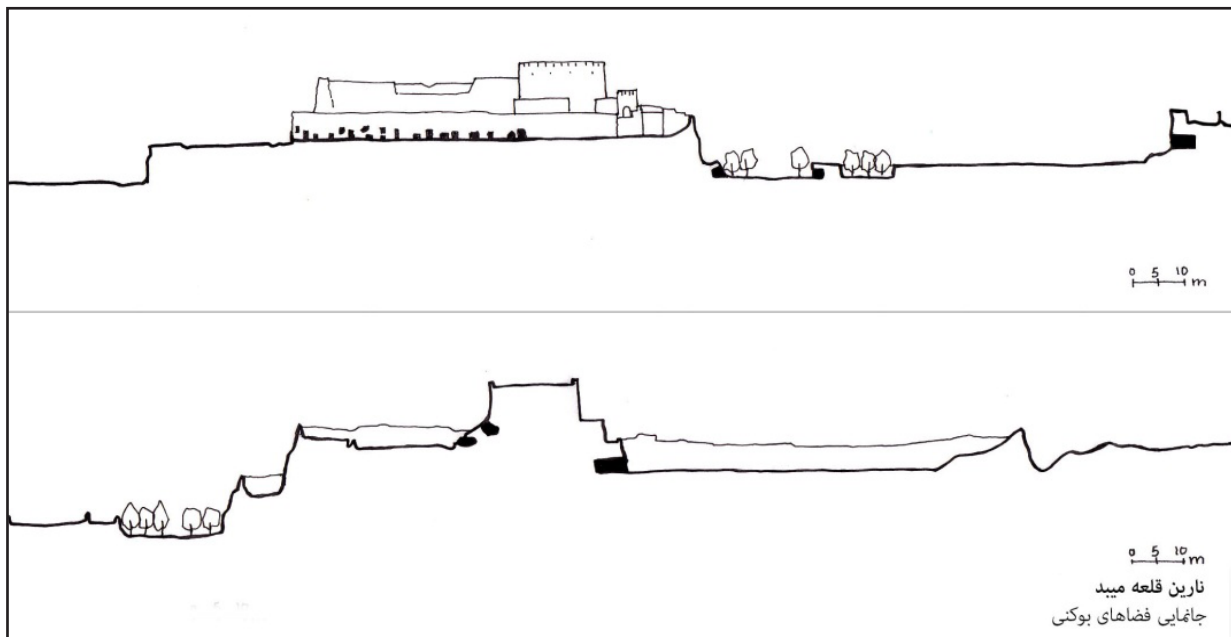
۴. توصیف بوکن‌های نارین قلعه

۱.۴. بوکن‌های مردم‌نشین

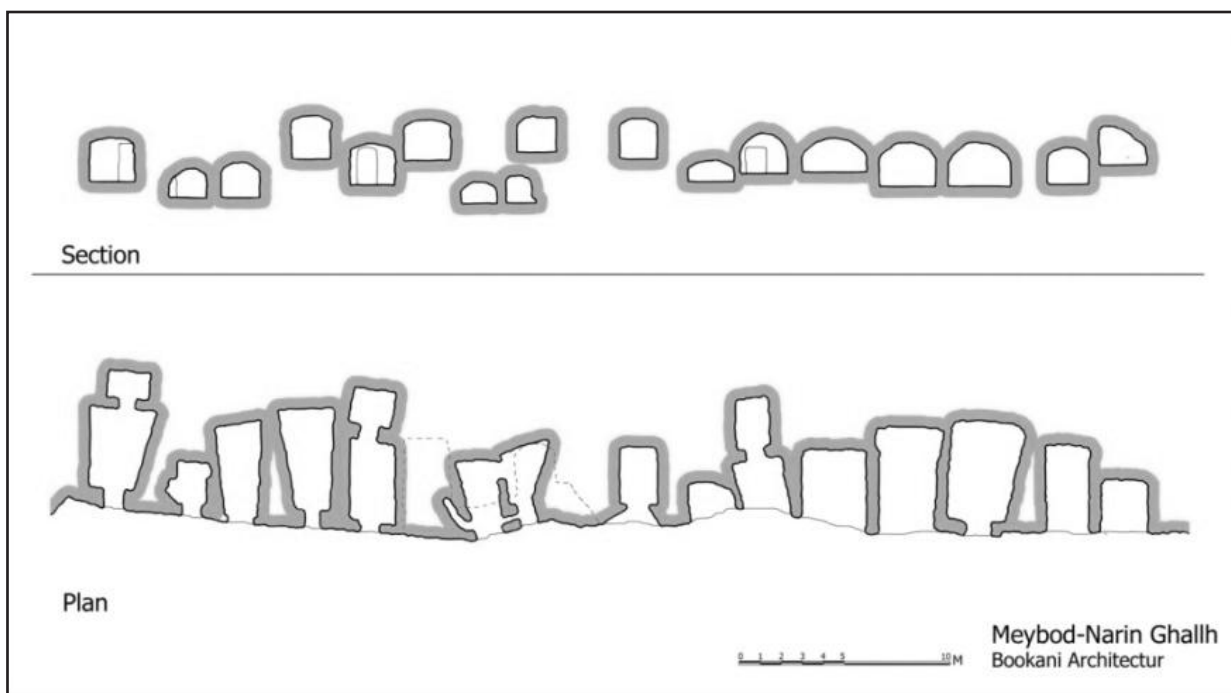
این بوکن‌ها ردیفی از خانه‌های کنار هم هستند که بر دیوار رُسی قلعه در انتهای عرصه مردم‌نشین کنده شده اند. بر این



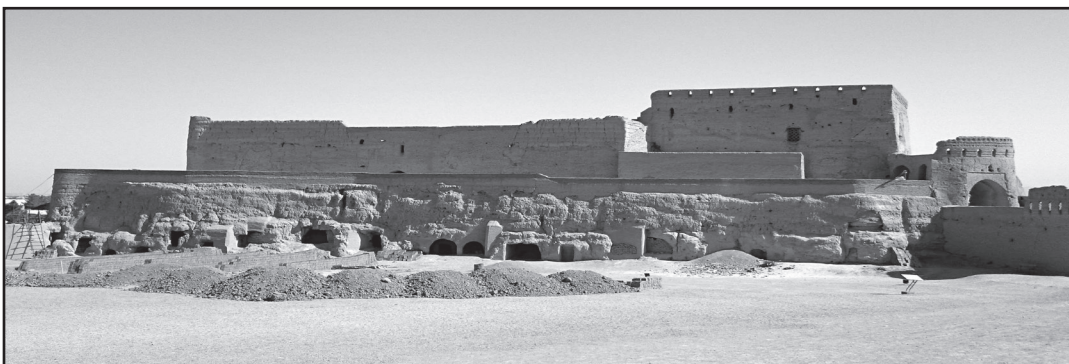
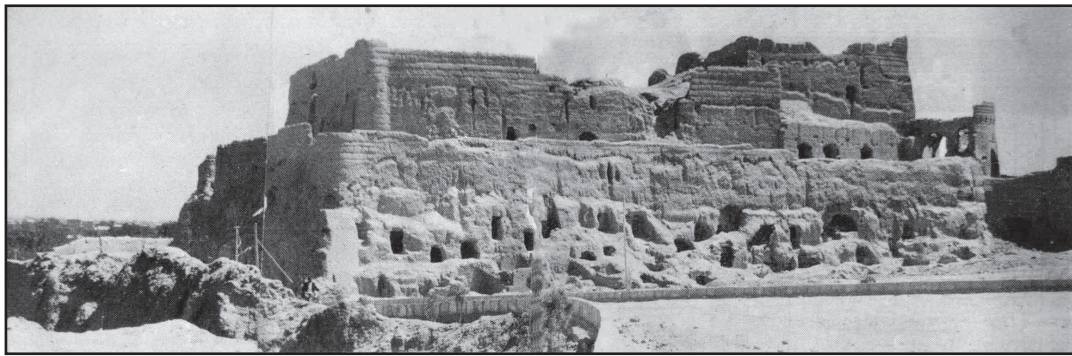
نقشه ۲. جانمایی فضاهای بوکنی در پلان نارین قلعه (ترسیم از: نگارندگان).



نقشه ۳. جانمایی فضاهای بوکنی در پلان مقاطع طولی و عرضی نارین قلعه (ترسیم از: نسیم غفوری).



نقشه ۴. پلان و برش ردیف بوکنی‌های انتهایی مردم‌نشین واقع در تراز زیرین (مأخذ: نیک‌زاد، ۹۵).

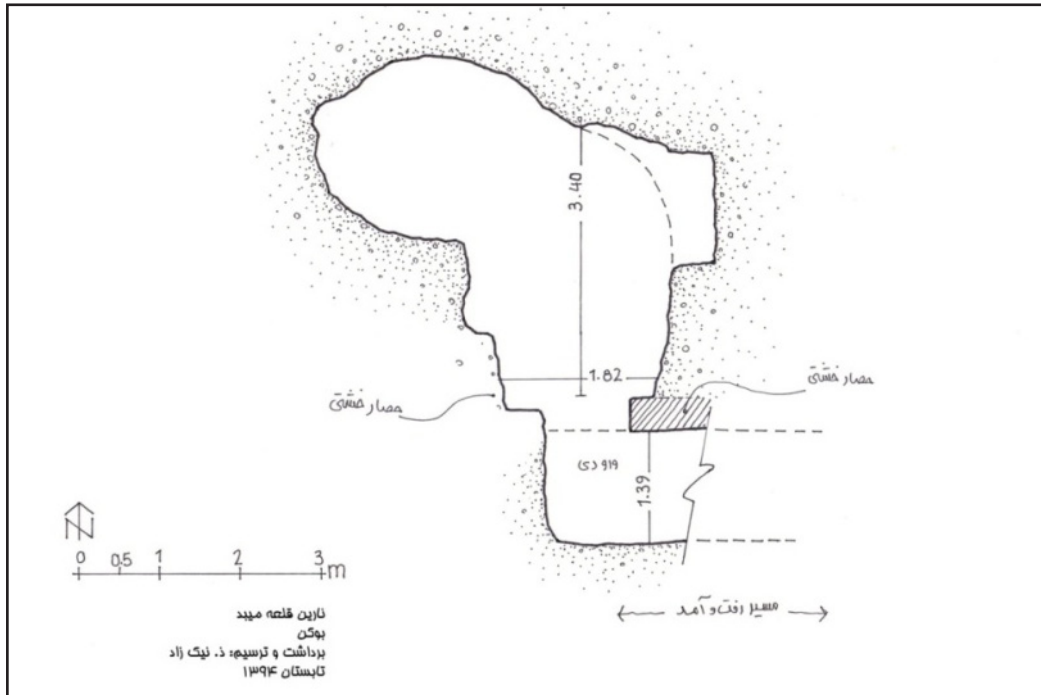


تصویر ۲، ۳ و ۴. چشم‌انداز نارین قلعه و بوکن‌های انتهای مردم‌نشین واقع در تراز زیرین. عکس بالایی دهه ۱۳۴۰، عکس میانی سال ۱۳۵۴، و عکس زیرین امروز را نشان می‌دهد (مأخذ عکس بالایی و میانی: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی. عکس زیرین: نگارندگان).



تصویر ۵. یکی از اتاق‌های بوکنی مردم‌نشین (عکس از: نگارندگان).

تکمیل رخ بیرون یا طاق داخل اقدام کرده اند. در سقف یکی از فضاها روزنی کنده شده که به نظر می‌رسد تا روی تل رُسی و گذرگاه بالایی امتداد داشته است. در امتداد این مجموعه تا محل رسیدن به دربند ورود به طبقات بالای قلعه، قاب‌های کم‌عمق کنده‌های دیده می‌شود که بر اساس آنها معلوم می‌شود قصد داشته اند بوکن‌های دیگری به وجود آورند اما این بوکن‌ها در همان ابتدای کار مانده نیمه‌تمام مانده و پیش نرفته است.



نقشه ۵. پلان بوکن جنوبی زیر حاکم‌نشین (برداشت و ترسیم از: نیک‌زاد).

می‌رسد (تصویر ۶). تمام این بوکن در دل خاکی کنده شده که لایه‌لایه و رسوبی است (تصویر ۷). لایه‌لای بدنه که گاه متخلخل به نظر می‌رسد، گچ یا آهک به رنگ سفید و ذغال به رنگ سیاه به صورت رگه یا پراکنده مشاهده می‌شود. در چند موضع به میزان فراوان سفال قهوه‌ای ضخیم در لایه‌ای مجزا وجود دارد. همه اینها شواهد حیات و استقرار انسان پیش از ساخت قلعه بوده و خاکی که بوکن در آن کنده شده بکر و طبیعی نبوده است. فهم دقیق جزئیات و تاریخ‌گذاری این فضاها نیازمند پژوهش باستان‌شناسی است.



تصویر ۷. فضای داخل بوکن جنوبی زیر حاکم‌نشین. انباشت خاک تا زیر سقف رسیده است (عکس از: نگارندگان).

۲.۴. بوکن زیرین جنوبی و غربی حاکم‌نشین

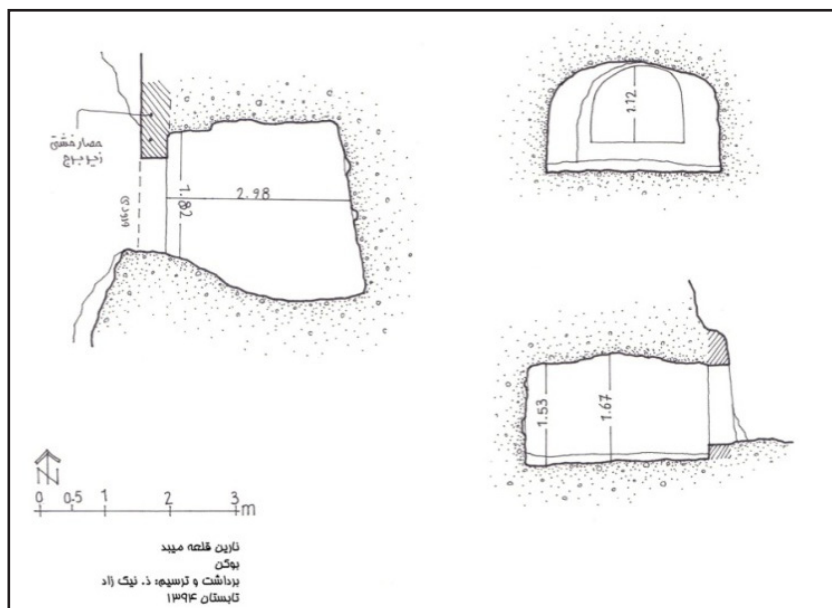
فضای جنوبی که در انتهای غربی ضلع جنوبی حاکم‌نشین در زیر کف فعلی قرار دارد، اتاق چهارضلعی نامنظمی با پیشروی به سمت شمالی است و دو فرورفتگی در دو طرف انتهای فضا دارد. این اتاق در دل خاک کنده شده و به سبب بالا آمدن آوار طی سالیان متمادی بلندای سقف آن بسیار کوتاه‌تر از قد آدمی است (نقشه ۵). دهانه ورودی کوتاه آن کمتر از ۹۰ سانتی‌متر بلند است و با توجه به اینکه بر زیر دیوار بلند درآمده، قوس آن با خشت پر کار شده است (تصویر ۶). متوسط اندازه فضای داخل به ۳۴۰×۲۷۰ سانتی‌متر



تصویر ۶. دهانه ورودی بوکن جنوبی زیر حاکم‌نشین (عکس از: نگارندگان).

اتاقی با دهانه قوسی قرار دارد که با روش بوکنی به وجود آمده است (تصویر ۸). این اتاق به اندازه ۲۹۰×۲۶۰ سانتی-متر ابعادی نزدیک به مربع دارد و بلندای آن ۱۶۰ سانتی-متر است. ضلع جنوبی آن به صورت تورفته قوسی درآمده که ممکن است حاصل فرسایش باشد (نقشه ۶). سقف به شکل قوسی کم‌خیز تراشیده شده است (تصویر ۹).

در منتهی الیه شرقی همین ضلع، پشت آخرین اتاق، پستوی بوکنی کوچکی است که با شکافتن دیوار خشتی انتهای اتاق کنده شده و مورد استفاده قرار گرفته است. مساحت پستو کمتر از ۴ متر مربع است. به نظر می‌رسد کار کردن ادامه داشته و نیمه‌کاره رها شده است. با این توجیه می‌توان آن را جزء آخرین اقدامات معماری بوکنی به حساب آورد. در پایین‌ترین تراز زیرین دیوار بلند غربی، همجوار با برج،



نقشه ۶. پلان و برش بوکن غربی زیر حاکم‌نشین (برداشت و ترسیم از: نیک‌زاد).



تصویر ۹. فضای داخل بوکن غربی زیر حاکم‌نشین (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۸. دهانه ورودی بوکن غربی زیر حاکم‌نشین (عکس از: نگارندگان).

۳.۴. بوکن‌های عرصه شمال قلعه

در ضلع شمالی عرصه شمالی قلعه فضاهای بوکنی پراکنده است. بر دامنه شیب‌دار محوطه شمالی واقع در پای حصار بلند حاکم‌نشین نشانه‌هایی از ردیف فضاهای بوکنی دیده می‌شود (تصویر ۱۰) که به سبب واقع شدن در زیر آوار از ترکیب و جزییات آنها اطلاعات چندانی نمی‌توان کسب کرد. دست کم دهانه ورودی چهار اتاق کنده پیداست (تصویر ۱۱) اما تا زمان کاوش باستان‌شناسی امکان ورود به آنها وجود ندارد. تپه زیر حاکم‌نشین ظرفیت خوبی برای معماری بوکنی پدید آورده است. احتمالاً در این موضع و امتداد آن تا پای

شاه‌نشین و به سوی شرق، فضاهای بیشتری از این دست وجود داشته است. در اینجا نیز فضاهای ساخته و کنده با هم درآمیخته‌اند. تا جایی که پیداست فضاها تو در تو هستند (تصویر ۱۲).

در میانه عرصه محوطه شمالی که اکنون به صورت برآمدگی‌هایی است، اتاق‌هایی بوکنی دیده می‌شود که دهانه آنها پیداست و فضا به سمت زیر ادامه دارد. در یکی از اینها مدخل بوکن داخل قابی قوسی که از خشت ساخته شده، قرار گرفته است.



تصویر ۱۰. چشم‌انداز شمالی حاکم‌نشین. دهانه فضاهای بوکنی در زیر پیداست اما باقی در زیر آوار قرار دارند (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۱۲. داخل فضای بوکن‌های شمالی زیر حاکم‌نشین که از خاک انباشته شده و پیداست که از چند اتاق تشکیل شده است (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۱۱. دهانه ورودی یکی از بوکن‌های شمالی زیر حاکم‌نشین (عکس از: نگارندگان).

۴.۴. بوکن چاه الماس و فضای کنار آن

در محل ورود دربند غربی به محوطه حاکم‌نشین، دهانه یک بوکن پیداست که فضای اصلی آن به سمت زیر امتداد دارد (تصویر ۱۳). نشانه‌ها مؤید وجود چند اتاق است اما اکنون از جزییات آن نمی‌توان آگاهی حاصل کرد زیرا دهانه ورودی بسته و تنگ است و امکان ورود به آن میسر نیست. بر روی این بوکن بناهایی در دوره‌های گوناگون ساخته شده است.

پس از مدخل حاکم‌نشین، در کنار دالان شیب‌دار چاهی با دهانه چهارضلعی به پهنای حدود ۱۵۰ سانتی‌متر کنده شده و به صورت عمودی تا عمق نامعلومی ادامه دارد (تصویر ۱۴) اما اکنون چهار متر آن پیداست. دور چاه را فضاهایی در بر گرفته و بخش شرقی مرتبط آن است و پیداست که با آن کار می‌کرده است. این چاه مشهور به چاه الماس است که بر پایه داستانی که در کتب تاریخی نقل شده تا امروز شهرت

خود را حفظ کرده است. بر بدنه چاه لایه‌های مواد و اشیای فرهنگی مانند سفالینه‌های خاکستری و قهوه‌ای، ذغال و عناصر دیگر دیده می‌شود که نشان می‌دهد حیات و سکونت انسان پیش از احداث این بخش از قلعه در گذشته‌های دور در این جا وجود داشته است. وجود این لایه‌های باستانی در اینجا و بوکن جنوبی زیر حاکم‌نشین شاید مرتبط با یافته‌های پیش از اسلام باشد که در نقاط دیگر قلعه نیز دیده می‌شود.

۴.۵. بوکن خندق شرقی - باغچه بوکنی

بر بدنه‌های خندق شرقی دست کم چهار فضای بوکن دیده می‌شود. یکی بر بدنه غربی و سه تای دیگر بر بدنه شرقی کنده شده‌اند. استفاده از این بوکن‌ها عمدتاً در ارتباط با باغ خندق بوده است. به نظر می‌رسد در قرون متأخر یعنی زمانی آنها را به وجود آوردند که قلعه آن کارکرد مستحکم دفاعی



تصویر ۱۴. چاه کنده شده با دهانه چهارضلعی که موسوم به چاه الماس (عکس از: نگارندگان).



تصویر ۱۳. دهانه ورودی بوکن کنار چاه الماس که بر روی آن فضاهای ساخته شده قرار دارد (عکس از: نگارندگان).

را نداشته و خندق به عنوان زمینی که آب می‌توانسته بر آن سوار شود، در اختیار مردم قرار گرفته و تبدیل به باغ شده بود. زیرا این بوکن‌ها رو به باغ هستند و راه آبی از میان آن‌ها عبور می‌کند (تصویر ۱۵).

بوکن بدنه شرقی خندق اتاقکی است که بیشینه عرض آن ۲/۵ متر و کمینه عرض آن ۱/۴ متر و طول آن حدود ۳ متر است و فرورفتگی‌ای در انتها دارد. راه آبی به عرض دهانه ۴۵ سانتی‌متر در کف بدنه جنوبی این فضا وجود دارد که در واقع شاخه‌ای از قنات برای آبرسانی به باغ واقع در خندق است (تصویر ۱۶). این بوکن دودخورده و سقف آن را تقریباً تخت کرده‌اند. با بالا آوردن سطح، فضای محصور کوچکی در جلوی اتاقک به وجود آورده‌اند که اختلاف سطح آن را از باغ جدا می‌کند (نقشه ۷).

تل رسی واقع در جنوب شرقی خندق که به طور نامنظم تا شرق ادامه دارد، ۳ تا ۵ متر بلندتر از کف خندق است و بر آن ساخت و سازهایی تا حدود حصار بیرونی به وجود آورده‌اند. از آن جمله باغچه‌ای گرد (تصویر ۱۷) و فضایی بوکنی

است. این فضا رو به باغچه محصور میان تل رسی کنده شده است (تصویر ۱۵ و ۱۶). به نظر می‌رسد بنیان این باغچه به طور طبیعی مانند شکافی وجود داشته اما با تنظیم تراز کف، دست بردن در بدنه و آوردن مسیر آب قنات و ایجاد دسترسی، باغچه‌ای با درختان انار و انگور به وجود آمده است. فضای بوکنی واقع در بدنه جنوبی نیز مرتبط با همین باغچه و احتمالاً باغچه‌های دیگر خندق بوده است (نقشه ۸). ورودی اصلی بوکن به عرض ۲/۴ متر با تورفتگی کنده شده که به سردر شباهت دارد، رو به باغچه واقع است و ورودی دیگری نیز در جهت غربی با شیب و پله‌ای به عرض ۱/۰۷ متر کنده شده است (تصویر ۱۸). این بوکن شامل فضایی مرکزی به ابعاد حدود ۲/۵×۲ متر است که نورگیری بر سقف آن وجود دارد که اکنون آن را با چوب پوشانده‌اند. دالان درازی به طول ۶/۵ متر و عرض متوسط ۱/۶ متر در سوی جنوب به فضای مرکزی متصل است (تصویر ۱۹). راه آبی به عرض ۵۰ سانتی‌متر از جنوب شرقی کف فضای مرکزی وارد و از شمال غربی خارج می‌شود و تا باغ خندق ادامه می‌یابد



تصویر ۱۵. خندق شرقی. در گوشه پایین چپ باغچه بوکنی مشاهده می‌شود (عکس از: خیره‌دست، مرکز اسناد میراث فرهنگی استان یزد).



تصویر ۱۹. باغچه دهانه ورودی بوکن واقع در جنب خندق شرقی (عکس از: نگارندگان).

(نقشه ۸). کف فضاها بالا آمده و مملو از زباله و خاک است. بدنه‌ها به طرز نامنظمی کنده شده و گویی نیمه‌کاره مانده و پرداخت نهایی تا رسیدن به سطوح صاف و یکدست به انجام نرسیده است.

۵. ویژگی معماری بوکنی قلعه

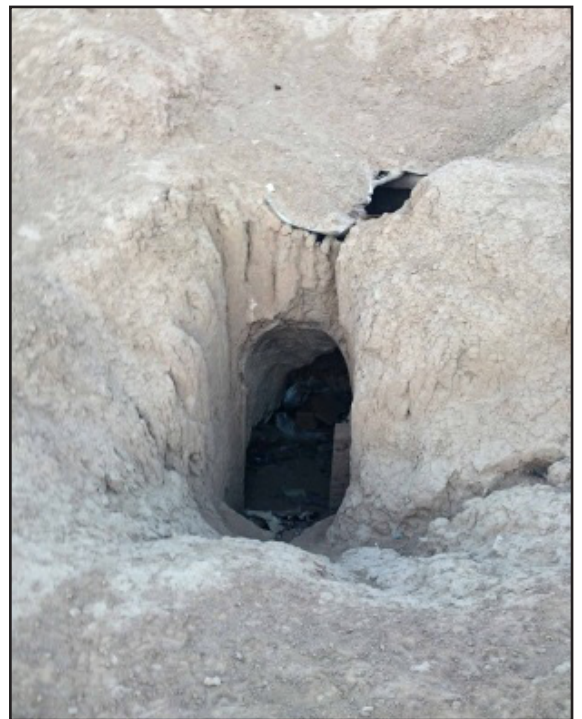
معماری بوکنی به دو صورت در نارین قلعه دیده می‌شود: مجموعه‌ای از فضاها که در کنار هم قرار دارند، و فضاهایی که جدا و مجرد از یکدیگر اند. موقعیت و نوع بهره‌برداری سبب-ساز این دو صورت بوده است. در مجموع معماری بوکنی در خدمت نظام فضایی قلعه قرار گرفته و به تکمیل آن کمک کرده است بدون آنکه از سطح (گستره) قلعه چیزی کاسته شود. به جز بوکنی‌های داخل خندق، باقی این فضاها در ترکیب مستقیم یا غیر مستقیم با فضاهای ساخته درآمده اند. فضاهای بوکنی واقع در نارین قلعه واحدهای کوچکی هستند که به منظور استفاده محدود به وجود آمده اند. معمولاً هر واحد از یک تا دو اتاق تشکیل شده است. ترکیب دو اتاق به صورت خطی و به دنبال هم است. گاهی دو واحد با یک بازشو با هم متصل شده و به این ترتیب وسعت بیشتری به دست آمده و اتاقهای بیشتری به هم راه می‌یابند. در جایی که مجموعه‌ای از فضاها در کنار هم قرار گرفته اند، به سبب در اختیار بودن یک بدنه رسی، تمامی فضاها با الگوی خطی در جهت شرق به غرب کنار هم چیده شده اند، اما هر خانه در جهت جنوب به شمال در دل خاک پیشروی کرده است. نشانه نمایان آنها ورودی هر فضاست که سیمای بیرونی بوکنی‌ها را ساخته است. این سیمای بی‌نظم جلوه می‌کند و



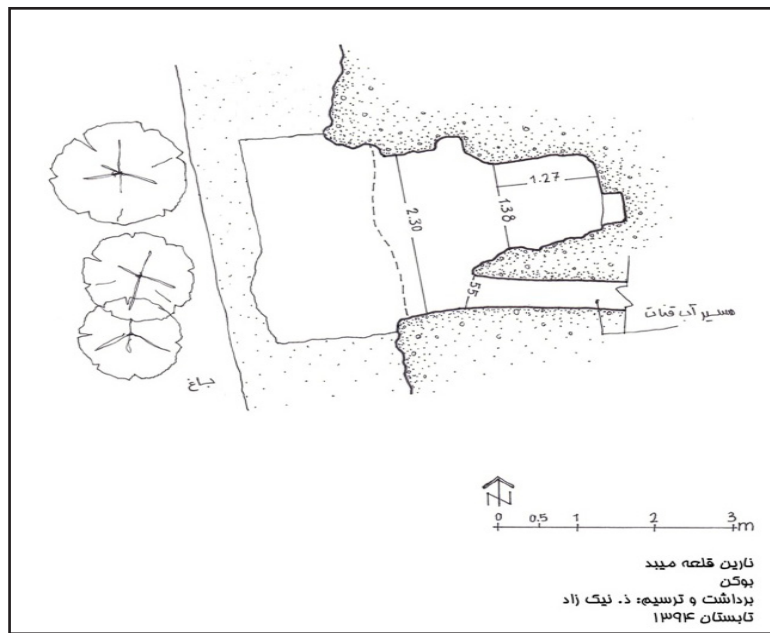
تصویر ۱۶. بوکن بدنه شرقی خندق شرقی (عکس از: نگارندگان).



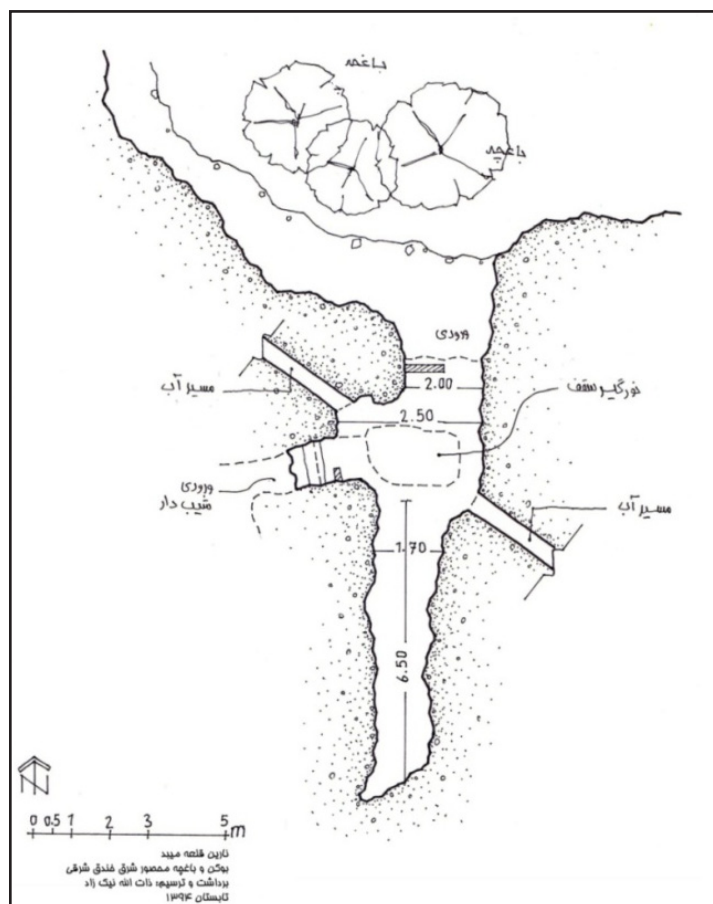
تصویر ۱۷. خندق شرقی. باغچه بوکنی دایره‌شکل واقع در جنب خندق شرقی (عکس از: خبره‌دست، مرکز اسناد میراث فرهنگی استان یزد).



تصویر ۱۸. دهانه ورودی بوکن غربی واقع در جنب خندق شرقی (عکس از: نگارندگان).



نقشه ۷. پلان بوکن واقع در باغچه خندق شرقی (برداشت و ترسیم از: نیک زاد).



نقشه ۸. پلان بوکن بدنه شرقی خندق شرقی (برداشت و ترسیم از: نیک زاد).



تصویر ۲۰. داخل فضای بوکن باغچه جنب خندق شرقی (عکس از: نگارندگان).

ویژگی‌های گوناگونی دارند. بوکن‌ها در لایه‌های زیرین خاک به در آمده اند چنانکه گاه خاک مذکور طبیعی نیست بلکه رسوبات و نهشته‌هایی است که می‌تواند محصول فعالیت سالیان دور انسان در آن مکان باشد (تصویر ۲۲) یا در جایی کنده شده که پیش از این ساختارهای کهن‌تر برپایی وجود داشته است. بنا بر این پس و پیش بودن لایه‌ها راهی برای پی بردن به زمان ساخت است. با تمام این اوصاف بررسی - های باستان‌شناختی راه روشن‌تری برای شناخت زمان خلق معماری بوکنی خواهد گشود.

دهانه بیضی کنده‌شده به صورت دالان در حصار بیرونی شرقی، مربوط به زمانی متأخرتر از شش سده پیش است، زیرا در حصار کلفت کنده شده است که در قرن هشتم هجری با خشت‌هایی به ابعاد $۲۶ \times ۲۶ \times ۵/۵$ سانتی‌متر ساخته شده بود. فضای زیرین حاکم‌نشین در دل خاک حاصل از رسوبات مملو از آثار زندگی از جمله سفالینه‌های پارتنی کنده شده است. بنابراین فضا سده‌ها پس از این تاریخ به وجود آمده و دهانه ورودی آن را با خشت‌هایی به ابعاد $۲۶ \times ۲۶ \times ۵/۵$ سانتی‌متر که در تعمیرات زمان آل مظفر (قرن هشتم هجری) به کار رفته است، تکمیل کرده اند (تصویر ۴). بنابراین محتمل است که این فضا در قرن هشتم هجری ساخته شده باشد. دهانه قوس ورودی برخی فضاها مانند بوکن انتهای مردم‌نشین بیضی خفته است (تصویر ۲۱). و همین رویه در نحوه ساخت داخل اتاق‌ها نیز دیده می‌شود. این نوع قوس‌ها دست‌کم در زمان ساسانیان رایج بوده و تا اوایل دوره اسلامی نیز به کار می‌رفته است. از این روی زمان خلق این قبیل فضاها را می‌توان به پیش از اسلام یا سال‌های نخستین پس از ورود اسلام نسبت داد.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به وجود فضاها و عناصر کنده و ساخته، کهندژ نارین قلعه حاصل کاست و افزود است. عوامل متعددی در به وجود آمدن فضاهای بوکنی نقش داشته اند؛ گذر زمان و بهره‌برداری مداوم، و به‌ویژه زمانی که جمعیت رو به افزایش می‌رفت، همواره ضرورت استفاده حداکثری از فضاها را برای قلعه‌بانان مطرح می‌ساخت. بنابر محدودیت مساحت در اختیار

به نظر ارگانیک و فاقد یک‌دستی هندسی است. اما گویی با سیمای طبیعی و ارگانیک بدنه‌های طبیعی رُسی یکی شده و دخالت آدمی را کمرنگ‌تر کرده است.

هر اتاق به طور معمول چهارضلعی است اما بیشتر آنها نامنظم و کمتر راست گوشه اند. در اثر فرسایش، برخی دیوارها خورده شده و شکل قوسی پیدا کرده اند. تنها روزن رو به بیرون، ورودی مستقل هر فضاست. نور و هوا از همین راه وارد فضا می‌شود و هیچ روزن دیگری تعبیه نشده است. اتاق‌ها اندازه‌های گوناگونی دارند. سقف خانه‌ها کوتاه و در وضع فعلی بیشینه ارتفاع اتاق‌ها به اندازه قد آدمی متوسط (حدود ۱۷۰ سانتی‌متر) است. بلندای واقعی اتاق‌ها از ۲۰۰ سانتی‌متر کمتر نیست، زیرا کف اتاق‌ها با خاک ناشی از فرسایش بالا آمده و پیدا نیست. سقف اتاق‌ها با انحنای ملایمی تراشیده شده و گاه به وضع تخت نزدیک می‌شود. ورودی‌ها کوتاه و ارتفاعشان از قد متوسط آدمی کمتر است و گاه به ۸۰ سانتی‌متر می‌رسد و برای رفتن به داخل باید کاملاً خم شد و چندان زد. اتاق‌های بوکنی طاقچه ندارند.

۶. فهم پیشینه

فهمیدن تاریخ ساخت معماری بوکنی در نارین قلعه، به سبب پیروی نکردن از اسلوب معماری شناخته‌شده در این مکان یا هر مکان دیگر، همواره با مشکلاتی همراه است. بنابراین شواهد دیگری جز شیوه معماری را باید به یاری طلبید. شواهد موجود در فضاهای بوکنی نارین قلعه نشان می‌دهد که این معماری به تدریج در طی زمان طولانی پدید آمده است. بر همین اساس فضاها از نظر فن‌آوری ساخت،



تصویر ۲۱. قوس بیضی یکی از اتاق‌های بوکن مردم‌نشین (عکس از: نگارندگان).

قلعه، نفوذ در عمق زمین یا بلندی‌های طبیعی مطلوب‌ترین راه حل برای توسعه درونی قلعه به حساب می‌آمد. از طرفی از نظر دفاعی فضاهای بوکن نقاطی امن‌تر بوده و آخرین نقاط در خطر محسوب می‌شدند. غیر هندسی بودن فضاهای بوکن نشان می‌دهد که کاربرد این فضاها برای سکونت و استفاده روزمره، به‌مانند کارکرد فضاهای برپا، نبوده بلکه به‌عنوان انبار و کاربری‌های خدماتی و جنبی استفاده می‌شده است. با توجه به اینکه بوکن‌ها در حاشیه، گوشه و کنار یا پشت فضاهای ساخته شده قرار دارند، این گمان قوی‌تر می‌شود. ایجاد فضاهای بوکنی سنت جاری بوده و تا واپسین روزهایی که زندگی در قلعه جریان داشته کندن فضاها ادامه داشته است چنانچه برخی آثار نیمه‌کنده بر جداره‌های گلین دیده می‌شود. فضاهای برپا (ساخته‌شده) سیمای قلعه را شکل داده و به آن تجسم بخشیده‌اند. روابط اصلی قلعه با همین فضاها تعیین می‌شود. اما فضاهای بوکنی که عمدتاً در محل اختلاف ترازها کنده شده‌اند، به تکمیل و توسعه درونی قلعه پرداخته، در پشت فضاهای برپا شده و در پناه زمین هستند. آگاهی ما از بوکنی‌های نارین قلعه در حدود فضاهایی است که آشکار بوده و اکنون می‌توان دید؛ کاوش‌های باستان‌شناسی



تصویر ۲۲. جنس خاک بوکن زیرین شاه‌نشین از نوع رسوبات سالیان متوالی و مملو از مواد فرهنگی است (عکس از: نگارندگان).

در آینده چشم‌انداز تازه‌ای در شناخت این گونه فضاها خواهد گشود.

پی‌نوشت‌ها

۱. بر اساس نوشته زرین تاج شیبانی کتاب میبد شهری که هست.
۲. حصار جنوبی به طور متوالی در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ش تخریب شده است.
۳. درباره‌ی واژه بوکن و اقسام معماری آن مراجعه شود به: نیک‌زاد، ذات‌الله. «شناخت و تحلیل معماری بوکنی در میبد» در اثر، ش ۵۹.
۴. این بناها در دهه ۱۳۶۰ش تخریب شدند و در نتیجه سطح محوطه بالا آمد و تا حدّ دو طبقه زیرین فضاهای بوکنی در زیر خاک آوار مدفون شد.

منابع

- اسفنجاری، عیسی. (۱۳۸۵). میبد شهری که هست؛ مجموعه پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی. میبد: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر میبد.
- پویا، سید عبدالعظیم. (۱۳۷۵). *سیمای باستانی شهر میبد*. میبد: دانشگاه آزاد واحد میبد.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳۸۹). *تاریخ یزد*. به کوشش ایرج افشار. چ ۴. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. (۱۳۴۵). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. (زمستان ۱۳۹۱). "شناخت و تحلیل معماری بوکنی میبد". در *مجله‌ی اثر*. ش ۵۹، ص ۸۹-۱۱۰.
- (۱۳۵۶). *پرونده ثبت آثار ملی بنای نارین قلعه میبد*. به شماره ۱۰۸۶. (قابل دستیابی در:

<http://www.iranshahrpedia.ir>